

مادر

من بوی کویه انگه فانی نیادم

در عرصه نبرد راهی

بی حایت گریه کردن و گریه ماندن

زنها را اگر در آن سوی سگرم

شاده کند ز گریه مادرشمن

مادر

غم غم ز مهریه است از آن ماست

فرزند تو همایه جاوید مهن است

ایران همایه راست

آن کودکی که آتش خود را به ما نکرده

با خون پر سراره به خاک وطن نرفت

این سرزمین مکان هزاران آهمن است

آئین استواری و اسطوره گشمن است

مادر

مادر میان آتش و خونم و این نظر است

ما سید تولد تاریخ تازه ام

از سده و سینه و صد عقیقه باید گذر کنم

مادر

"ای آینه عملی و سزاوار است"

اندر بلای سخت پدید آرند

فضل و بزرگواری و در گواری

تیران ۱۳۸۰

زاده